

تکنیکهای هفت گانه ترجمه*

علی خزامی فر

در ترجمه کلمه یا جمله یا متن از زبانی به زبان دیگر تنها يك راه فراروی مترجم نیست. به عبارت دیگر، انتقال معنی از زبانی به زبان دیگر همیشه به شیوه‌ای واحد انجام نمی‌گیرد. مترجم می‌تواند با توجه به کلمه یا جمله یا متنی که ترجمه می‌کند، شیوه متفاوتی به کار گیرد. در سال ۱۹۵۸ دو محقق فرانسوی، ژان پل وینه و ژان دار بلنه، کتابی تحت عنوان سبک‌شناسی تطبیقی فرانسه و انگلیسی: روش ترجمه منتشر کردند. در این کتاب مؤلفان از دیدگاهی توصیفی تکنیکهای مختلفی را که در اختیار مترجم است معرفی کردند و نشان دادند که واحد ترجمه کلمه نیست، بلکه ترجمه فرایندی پیچیده است که در انجام آن مترجم ناخودآگاه تکنیکهای متعددی به کار می‌گیرد.^(۱) از نظر مؤلفان، این تکنیکها بر هفت گونه‌اند. این کتاب امروزه در حوزه ترجمه‌شناسی کتابی «کلاسیک» به شمار می‌آید و تکنیکهای پیشنهادی مؤلفان با عنوان «تکنیکهای هفت گانه ترجمه» معروف شده است. این تکنیکها به ترتیب عبارتند از: ترجمه تحت‌اللفظی، قرض کردن، ترجمه قرضی، تغییر صورت، تغییر پیام، معادل‌یابی و همانندسازی.

این روشها را به دو گروه تقسیم می‌کنند: سه روش اول را «روشهای مستقیم» می‌نامند، زیرا در این روشها پیام مستقیماً از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال می‌یابد. چهار روش بعدی را «روشهای غیر مستقیم» می‌نامند، زیرا مترجم برای انتقال پیام ناچار است به راههای غیر مستقیم متوسل شود. شرح اجمالی این روشها به قرار زیر است:

* بخش دوم این مقاله در شماره بعد از نظر خوانندگان می‌گذرد.

(۱) در توضیح عنوان مقاله لازم است در اینجا به تفاوت میان دو اصطلاح «تکنیک» و «روش» اشاره کنیم. روش ترجمه - برای مثال روش معنایی یا روش ارتباطی - مجموعه‌ای از اصول کلی منسجمی است که در ترجمه متن مبنای کار مترجم قرار می‌گیرد. اما در عمل برای آنکه مترجم بتواند بطور مؤثری این اصول را در ترجمه پیاده کند، شیوه‌هایی برمی‌گزیند که آنها را «تکنیک» می‌گویند. بنابراین تفکیک، روش به متن در کلیت آن برمی‌گردد و تکنیک به اجزای متشکل متن از قبیل کلمه و جمله. بجز مورد اول، یعنی ترجمه تحت‌اللفظی، سایر شیوه‌هایی که در توصیف مؤلفان آمده است، عموماً در ترجمه جمله و واحدهای کوچکتر از جمله کاربرد دارند. از این رو عنوان تکنیک را برای این شیوه‌ها انتخاب کرده‌ایم. بدیهی است تکنیکهای ترجمه به این شش مورد ختم نمی‌شود.

۱- ترجمه تحت اللفظی (literal translation)

بنابراین روش، مترجم بدون آن که مجبور باشد تغییرات لغوی یا نحوی در پیام ایجاد کند و یا نیاز به دانش فرازبانی (pragmatic) داشته باشد، برای انتقال پیام آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی گرداند. در مواردی که واحد ترجمه را می توان کلمه در نظر گرفت، بخصوص در ترجمه بین زبانهایی که قرابت ساختاری و فرهنگی زیادی با یکدیگر دارند، می توان از این روش استفاده کرد، اما بطور کلی استفاده از این روش به عنوان روشی غالب در ترجمه متن باعث می شود که بسیاری از جنبه های معنایی کلمات و متن از بین برود. به ترجمه های تحت اللفظی زیر توجه کنید:

Let us suppose that you are in position of a parent.

اجازه بدهید فرض کنیم که شما در موقعیت یک پدر یا مادر هستید. (فرض کنید که شما پدر یا مادر هستید. خودتان را بجای پدر یا مادر بگذارید.)

Now, of course, you will say that it is one thing to exercise censorship where children are concerned and quite another to do the same for adults.

حالا البته شما خواهید گفت که اعمال سانسور آنجا که به بچه ها مربوط می شود یک چیز است و همین کار برای افراد بزرگسال کاملاً یک چیز دیگر. (اکنون حتماً می گوئید سانسور در مورد بچه ها با سانسور در مورد بزرگسالان متفاوت است.)

در ترجمه متن زیر با وجود این که واحد ترجمه تقریباً کلمه است، اما زبان، روان و طبیعی به نظر می رسد. به عبارت دیگر، ترجمه لفظ به لفظ صورت گرفته، اما لغوی نیست.

But the Swiss discovered long ago that constant warfare brought them nothing but suffering and poverty. They adopted a policy of neutrality, and while the rest of the world seethed in turmoil, Switzerland, a country with hardly any natural resources, enjoyed peace and prosperity. The rest of the world is still not ready to accept this simple and obvious solution.

اما مردم سوئیس مدتها قبل دریافتند که جنگ دائم برای آنها چیزی جز رنج و فقر به بار نمی آورد. آنها سیاست بی طرفی در پیش گرفتند و در حالی که سایر کشورهای جهان در آشوب بسر می بردند، سوئیس، کشوری که تقریباً فاقد منابع طبیعی است، از صلح و رفاه برخوردار بود. سایر کشورهای جهان هنوز حاضر نیستند این راه حل ساده و طبیعی را بپذیرند.

۲- قرض کردن (Borrowing)

گاه مترجم واژه یا اصطلاح زبان مقصد را عیناً در ترجمه حفظ می کند. از این تکنیک معمولاً در

دو مورد زیر استفاده می‌شود:

الف) در زبان مقصد معادلی برای اشاره به واقعیت مادی یا انتزاعی یا فرهنگی که آن واژه یا اصطلاح بیانگر آن است وجود ندارد.

ب) در زبان مقصد معادلی دقیق یا لااقل نزدیک به کلمه خارجی وجود دارد، اما مترجم مایل است رنگ و بوی خارجی به ترجمه خود بدهد. مثلاً در ترجمه متون انگلیسی به فرانسه بسیاری از مترجمان برخی از کلمات انگلیسی نظیر *smoking* ، *shopping* ، *meeting* ، *football* ، *dancing* ، *raid* ، *pipe-line* و *sketch* را عیناً حفظ می‌کنند. برعکس، در ترجمه از فرانسه به انگلیسی نیز برخی از کلمات و اصطلاحات نظیر *carte-blanche* ، *coup d'etat* یا *reason d'etre* ترجمه نمی‌شوند.

۳- ترجمه قرضی (*loanshift* یا *calque*)

کلمات، اصطلاحات و تعبيرات زبان مبدأ را به دوروش می‌توان به زبان مقصد وارد کرد. روش اول عاریه گرفتن کلمه به عین لفظ است که شرح آن در بخش ۲ آمد. این قبیل کلمات را می‌توان عناصر قرضی نامید. روش دوم، ترجمه قرضی یا «گرفته‌برداری» است. در این روش اجزای متشکل کلمه یا اصطلاح زبان مبدأ جدا جدا به زبان مقصد ترجمه می‌شوند. کلمات و ترکیباتی را که به این طریق به زبان مقصد راه می‌یابند می‌توان «عناصر ترجمه‌ای» نامید. هر زبان دارای دو نظام واژگانی (نظامی دارای عناصر نامحدود) و نظام دستوری (نظامی دارای عناصر محدود) است. ترجمه قرضی، هم در نظام واژگانی زبان صورت می‌گیرد و هم در نظام دستوری زبان.

ترجمه قرضی پدیده‌ای عام است و زائیده برخورد زبانها و فرهنگهاست. پدیده‌ای است کاملاً طبیعی و ناگزیر که در غنا بخشیدن به نظام واژگانی و دستوری زبان نقشی حیاتی دارد. ترجمه قرضی تیغی دودم است. در کاربرد این روش باید احتیاط کرد و تا حدی وسواس نشان داد. درست است که ترجمه قرضی می‌تواند به غنای فارسی کمک کند، اما چون در ترجمه قرضی نیاز نیست که مترجم خلایقی از خود نشان بدهد، ممکن است از امکانات و قابلیت‌های بیانی زبان فارسی غافل بماند و بی‌جهت واژه و تعبیر قرض کند و در نتیجه نتواند با خواننده ارتباط برقرار کند. از این روست که برخی از نویسندگان، مترجمان و ویراستاران با ترجمه قرضی، بخصوص در نظام دستوری زبان، مخالفند و معتقدند این روش اصالت، استقلال و هویت زبان را از میان می‌برد. اینک به مواردی از عناصر قرضی ترجمه‌ای توجه کنید:

the near future	آینده نزدیک	my God	خدای من
in connection with	در ارتباط با	above-mentioned	فوق‌الذکر
count on somebody	روی کسی حساب کردن	week-end	پایان هفته
in any case	در هر صورت	sky-scraper	آسمان خراش
honey moon	ماه عسل	a heavy toll	تلفات سنگین
deeply	عمیقاً	the medium wave	موج متوسط

loud speaker	بلندگو	surplus value	ارزش اضافی
fiscal year	سال مالی	middle east	خاور میانه
take the necessary measures			اتخاذ تدابیر لازم
art for art's sake			هنر برای هنر
a wave of indignation			موجی از خشم
to express dissatisfaction			اظهار عدم رضایت کردن

بی‌مناسبت نیست در اینجا از میان ترجمه‌های دانشجویی، مواردی از تعابیر قرصی نابجا یا مواردی که معادل مصطلح و روان آنها در زبان فارسی وجود دارد ذکر کنیم:

Capital punishment made the violent robber think twice before pulling the trigger.

اعدام باعث می‌شد دزد خشن قبل از کشیدن ماشه دوبار فکر کند. اصطلاح **think twice** با معنایی که در انگلیسی دارد به زبان فارسی وارد نشده و لذا بیگانه و نامفهوم است. ترجمه پیشنهادی:

ترس از اعدام باعث می‌شد که سارق بی‌رحم قبل از کشیدن ماشه به عواقب کارش بیندیشد.

The great proportion of books, plays and films which come before the censor are far from being works of art.

بخش عظیمی از کتابها، نمایشنامه‌ها و فیلمهایی که در برابر سانسورگر قرار می‌گیرند، از کار هنری خیلی دور هستند. ترجمه پیشنهادی:

بخش عظیمی از کتابها، نمایشنامه‌ها و فیلم‌هایی که سانسور می‌شوند به هیچ وجه اثر هنری محسوب نمی‌شوند.

It is the individual who is responsible, in the last analysis, for all additions to culture.

در تحلیل نهائی، فرد عامل همه آن چیزهایی است که به فرهنگ افزوده می‌شود. اصطلاح در تحلیل نهایی یا در آخرین تحلیل به معنی (با در نظر گرفتن همه عوامل و جوانب) گاه در ترجمه‌ها و نوشته‌های فارسی دیده می‌شود، اما به نظر نمی‌رسد معنی آن، لااقل برای خواننده معمولی، کاملاً روشن باشد.

Imagine being forced to spend twelve or so years of your life....

تصور بکنید مجبورید دوازده سال یا این حدود از زندگیتان را... (کم و بیش دوازده سال از زندگیتان را...)

گفتیم که در ترجمه همیشه نمی‌توان لفظ در برابر لفظ نشانند. انتقال معنی از زبانی به زبان دیگر عموماً با ایجاد تغییراتی در صورت پیام یا به عبارت دقیقتر در صورتهای دستوری پیام ممکن می‌شود. برای مثال بیان روان فارسی گاه اقتضای می‌کند اسم جمع را به مفرد، قید را به صفت و مجهول را به معلوم تبدیل کنیم و یا گاه حرف تعریف a یا an را حذف کنیم. این عمل را «تغییر صورت» می‌نامند. به مواردی از تغییر صورت توجه کنید:

in the absence of definite information

در مواردی که اطلاعات قطعی در اختیار ندارید

در ترجمه این عبارت، گروه (phrase) به بند (clause) تبدیل شده است.

Our foreign trade has improved steadily.

تجارت خارجی ما پیوسته روی به بهبود داشته است.

در ترجمه این عبارت، فعل improve به اسم تبدیل شده است.

As soon as I get up

به محض بیدار شدن

در ترجمه این عبارت، بند (clause) به گروه (phrase) تبدیل شده است.

A soldier should value honour above life.

سرباز باید شرفش را بر جانش مقدم بدارد.

در ترجمه این عبارت حرف تعریف (a) حذف شده است.

You should read newspapers to keep abreast of the times.

برای باخبر بودن از اوضاع روز باید روزنامه بخوانی.

در ترجمه این عبارت، newspaper به صورت مفرد ترجمه شده است.

... are entirely controlled by men.

... مردان کاملاً قبضه کرده‌اند.

در ترجمه این عبارت، وجه مجهول به وجه معلوم تبدیل شده است.

a wonderfully creative work of art

یک اثر هنری شگفت‌انگیز و خلاق

در ترجمه این عبارت قید به صفت تبدیل شده است.

He was a late arrival.

دیر رسید.

در ترجمه این عبارت، اسم به فعل و صفت به قید تبدیل شده است.

در بسیاری از موارد مترجم بدون آن که معنی جمله را عوض کند، جمله را به «بیان» یا «صورت نحوی» دیگری می‌نویسد. این تغییر در دو مورد صورت می‌گیرد. مورد اول آن است که اگر مترجم پیام را به همان صورتی که در زبان مبدأ بیان شده ترجمه کند، ترجمه او، هر چند قابل درک

است، اما روان و طبیعی نیست. پس مترجم بنا بر ملاحظات سبکی، شیوه بیان جمله را در زبان مقصد عوض می‌کند. مترجم می‌تواند هر جمله را به «بیان»های مختلف ترجمه کند، اما از میان همه این صورتهای نحوی گوناگون تنها يك صورت است که روان و طبیعی است و معنی را بطور کامل در بر دارد و فاقد تأکیدات و پیش‌فرضهای (presupposition) ناخواسته است.

مورد دوم آن است که صورت نحوی جمله زبان مبدأ در زبان مقصد معادل ندارد و مترجم نمی‌تواند صورت نحوی جمله را عیناً به زبان مقصد منتقل کند. به مثالهایی از هر دو مورد توجه کنید:

To resign now would be an admission of failure.

اگر حالا استعفا بدهیم، معنی‌اش این است که شکست را پذیرفته‌ایم.

بدیهی است ترجمه‌های دیگری از این جمله ممکن است. عوامل زیادی در انتخاب بهترین ترجمه دخیلند: معنی، سبک، نوع متن و خواننده. اما مهمترین عامل، روان بودن ترجمه است. مترجم از خود می‌پرسد اگر این جمله را قرار بود به فارسی بگوییم، چگونه می‌گفتم.

You will be praised or blamed according as your work is good or bad.

اگر خوب کار بکنی، تشویق می‌شوی. اگر بد کار بکنی، توبیخ می‌شوی.

صورت نحوی این جمله را نمی‌توان عیناً به فارسی ترجمه کرد، اما با جابجا کردن دو بخش آن ترجمه زیر به دست می‌آید:

بر حسب این که کارت خوب یا بد باشد، تشویق یا توبیخ می‌شوی.

His rejection of that good offer surprised me.

تعجب کردم که پیشنهاد به آن خوبی‌رارد کرد.

Smith, however, does not plan to move for some time.

اما اسمیت خیال ندارد تا مدتی نقل مکان کند.

Her husband insists on her cleaning the house every day.

شوهرش اصرار دارد که او هر روز خانه را تمیز کند.

He did his best to make a good living for his family, working late into the night, trying to take advantage of every overtime opportunity.

منتهای سعی‌اش این بود که زندگی خوبی برای خانواده‌اش درست کند. شبها تا دیروقت کار می‌کرد و می‌کوشید از هر فرصتی برای اضافه‌کاری استفاده کند.

How he gets the money is his own affair.

به خودش مربوط است که پول را از چه راهی درمی‌آورد.

His breath coming in gasps, the fireman crawled to the window.

مأمور آتش‌نشانی در حالیکه نفس نفس می‌زد به طرف پنجره خزید.